

۱۶۸۰۰

مجله	مسئلات و بررسما
تاریخ نشر	۱۳۷۰
شماره	۵۱-۵۲
شماره مسلسل	
محل نشر	دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران
زبان	فارسی
نویسنده	ابوالفضل میرمحمدی
تعداد صفحات	۱-۲۱
موضوع	تجدیدی و صرفه
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

کتابخانه

کتابخانه



## مقالات و بررسیها

نشریه گروه تحقیقاتی دانشکده الهیات و معارف اسلامی

۱۳۷۰

دفتر ۵۲-۵۱

### تجدی و صرفه

قرآن هجید در بسیاری از آیات با صراحت اعلام فرموده که قرآن کلام خدا است و بشر نمی تواند مانند آنرا حتی در حد يك سوره از سوره هایش باشد بیاورد و چنانچه کسی در این حقیقت تردید دارد خود به تهائی یا بکمک دیگران بمانند آن بپردازد.

۱- قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لیاأتون بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیراً. الاسراء / ۸۸.

ام یقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مفتریات وادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین. هود / ۱۲.

وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله وادعوا شهدائکم من دون الله ان کنتم صادقین. / بقره ۲۳.

ام یقولون افتراه قل فأتوا بسورة من مثله وادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین. یونس / ۳۸.

در ابتدا مناسب است به‌اسامی دانشمندانی که قائل به‌صرفه‌اند و یا صحت آنرا محتمل دانسته‌اند اشاره کنیم:

۱- نظام معتزلی که می‌گویند: وی اولین نویسنده ماهری است که رأی به‌صرفه در اعجاز قرآن کریم، از ناحیه او اظهار شده است.<sup>۱</sup>

۲- ابو مسلم محمد بن بحر اصفهانی<sup>۲</sup>، وی اعجاز قرآن شریف را از دو راه می‌داند که دومی همان قول به‌صرفه است و او توجیهاتی در صحت آن بیان کرده است.<sup>۳</sup>

۳- سید مرتضی علم‌الهدی، وی اعجاز قرآن مجید را از طریق صرفه ثابت نموده و در اثبات آن پافشاری کرده است.<sup>۴</sup>

۴- ابواسحق نصیبی که بنا به گفته میرسید شریف جرجانی (صاحب شرح مواقف)، وی نیز قائل به‌صرفه بوده است.

۵- قطب‌الدین راوندی، وی می‌گوید: دانشمندان در وجه اعجاز دارای اقوال مختلفی می‌باشند، آنگاه تعداد آنها را به هفت قول می‌رساند و قول به‌صرفه را از جمله آنها می‌شمارد، سپس اعتراضاتی را که به سید - مرتضی وارد کرده‌اند نقل می‌کند و از آنها پاسخ می‌دهد بطوریکه از آنها

۱- نظام بروزن شاد کنیه اش ابواسحق و نامش ابراهیم بن سيار می‌باشد و چون در علوم مهارت داشته به امام المتکلمین ملقب گشته است وی در سال ۲۲۱ هجری درگذشته است. *روضات الجنات*.

۲- محمد بن بحر معتزلی که ابو مسلم کنیه داشته در سال ۳۲۲ هجری فوت کرده است و دارای تفسیری بنام - جامع التنزیل - می‌باشد. اعلام زرکلی.

۳- افتخار سیوطی ط امیر ج ۲ نوع ۶۴ ص ۱۱.

۴- مرحوم سید از علمای بزرگ شیعه که فضلش عورت انکار کسی قرار نگرفته و بنا بر آنچه از شیخ در فهرست و علاوه در خلاصه نقل شده است در علوم کلام، فقه، اصول الفقه، ادب، شعر لغت نسبت به سایر علما تقدم دارد. اعیان الشیعه ط بیروت ج ۸ ص ۲۱۳ و در تریعه می‌نویسد: سید دارای کتابی بوده بنام «الصرفه الموسوم بانه وضح عن وجه اعجاز القرآن» و سید خود از آن به «الصرف» تعبیر کرده است.

استفاده می شود که او قول بصره را بلاشکال می داند.<sup>۱</sup>

۶- خواجه نصیرالدین طوسی، وی پس از آنکه وجوه اعجاز را که از جمله آنها «صرفه» است نقل می کند - می گوید همه آنها محتمل است.<sup>۲</sup>

۷- فخر رازی در تفسیر کبیر می نویسد: اینان به مانند سوره های کوتاه رقآن کریم مقدور بشر است و کسی که آنرا انکار می کند باید گفت به مکابره و مجادله روی آورده و متوجه نیست که باید این قبیل مطالب را تهمت وارد ساختن بر دین دانست.<sup>۳</sup>

۸- علی بن عیسی رمانی، او می گوید: اعجاز قرآن از جهات ترك معارضه با آن است که منکرین با وجود دواعی و احتیاج شدیدی که بررد قرآن داشتند. در مقام معارضه با آن نیامدند و وجه آن را می شود صرفه و یا بلاغت و یا اخبار از غیب آن دانست.<sup>۴</sup>

۹- ابن حزم که می گوید: چون قرآن کلام خداست آنرا معجزه قرار داد و مردم را از معارضه با آن مانع گشت.<sup>۵</sup>

۱- قطب الدین راوندی در سال ۵۷۳ ه. ق. وفات کرده است و مطلب بالا را در کتاب الخرائج و الجرائح ط مؤسسه الامام الهدی ج ۳ ص ۹۸۶ آورده است وی در وجه تسمیه کتابش به خرائج (خارج شده ها) می فرماید چون این معجزه ها بدست مبارك آنان خارج شده است و به جرائح (کسب کننده ها) باعتبار این است آنها کسب کننده معرفت نسبت به آنان علیهم السلام هستند.

۲- خواجه نصیرالدین رحمت الله علیه معروف به محقق طوسی در سال ۵۹۷ ه. ق. متولد و در سال ۶۲۷ از دنیا رحلت کرده است مقام شاهنش مورد قبول علمای اسلام و علمای ادیان دیگر قرار گرفته است. علامه حلی می فرماید: ایشان از تمام معاصرین خود در علوم عقلیه و نقلیه افضل است.

بروکلن آلمانی در وصف او گفته است: خواجه از تمام علمای قرن هفتم و مؤلفین مشهورتر است. اعیان الشیعه ط بیروت ج ۹ ص ۴۱۴.

۳- ج اول در تفسیر آیه ۵ بقره.

۴- اتقان سیوطی نوع ۶۴ ص ۱۸ نقل از رهانی شارح کتاب سیبویه متوفای سال ۳۸۴ ویا ۳۸۲ ه. ق.

۵- اعجاز رافعی در فصل ۸ در اعجاز قرآن.

۱۰- شیخ مفید، وی می‌فرماید جهت اعجاز قرآن کریم همان صرفه یعنی منصرف ساختن و روی گرداندن است که خداوند متعال فصحاء و بلغاء را به انصراف از معارضه واداشت.<sup>۱</sup>

یادآور می‌شود: آنچه معروف است و در کتابها دیده می‌شود این است که نظریه صرفه در میان دانشمندان امامیه فقط به سید مرتضی منسوب است و ابداً از شیخ مفید ذکری بهمین نیاورده‌اند بلکه چنانکه می‌بینیم عکس آن یعنی بلاغت و فصاحت را به عنوان وجه اعجاز قرآن به او نسبت می‌دهند. قطب راوندی در «الخرائج والجرائج» و علامه حلی در «شرح-تجريد» و صاحب مواقف در «مواقف» و صاحب «الطراز» در آن کتاب و فاضل قوشجی در «شرح تجريد» و رافعی در «اعجاز القرآن» همگی صرفه را در جمیع علمای امامیه به سید نسبت داده و از استادش شیخ مفید ذکری بهمین نیاورده‌اند؛ بلکه علامه مجلسی قول مشهور را به او نسبت داده است.

وی می‌فرماید مشهور در میان علمای عامه و خاصه از جمله شیخ مفید در وجه اعجاز قرآن کریم همان فصاحت و بلاغت این کتاب مقدس است که در سطح اعلاى ایندو خصیصه قرار دارد...<sup>۲</sup>

به هر حال قلت شمار طرفداران نظریه صرفه که اسامی آنانرا با تکلف بده تن رساندیم گواه و مؤید آنست که رأی به صرفه قولی نادر بلکه در نظر بعضی سخیف بوده است؛ چنانکه رافعی درباره نظام می‌گوید: این نظریه او بادیگر معلوماتش مطابقت ندارد بلکه شبیه سخن کودکی است که می‌خواهد در مجالس بحث علمی، خود را جا زده و در آن دخالت کند و درباره جاحظ می‌نویسد: او صرفه را با دیده قبول متعرض شده لیکن سعی بر اخفاء می‌نموده و همینطور شهرستانی در مسئله ۹ می‌نویسد: نظام فلسفه را با کلام معتزلی خلط کرده و از اصحابش جدا شده است، آنگاه قول به صرفه را از او نقل می‌نماید.<sup>۳</sup>

۱- اوایل المقامات ط ص ۳۱.

۲- بحار الأنوار ط جدید ج ۱۷ ص ۲۲۴. ۳- الملک والنحل شهرستانی ج ۱ ص ۵۶.

## صرفه و مراد از آن

در اینکه مراد از صرفه چه چیزی است نظرهای مختلفی ابراز شده است.

قوشجی در شرح تجرید و جرجانی در شرح مواقف می‌نویسند: رأی نظام درباره صرفه این است که خداوند متعال منکرین قرآن را از معارضه با آن بازداشته است یعنی مانع از آن شده تا چنین اراده‌ای نمایند.

و در مقالات الاصولین ج ۱ ص ۲۲۵ می‌نویسد: نظام گفته است تالیف و نظم قرآن طوری نیست که مردم نتوانند مانند آنرا بیاورند لکن خداوند متعال آنرا عاجز و ناتوان ساخته است، بنابراین در توجیه رأی نظام سخنان متفاوتی ذکر کرده‌اند و چنانکه گذشت، بعضی صرف اراده و دواعی را باو نسبت می‌دهند و بعضی دیگر احداث عجز و ناتوانی را یعنی خدای سبحان قدرت را با اینکه از اراده برخوردارند و اطلاعات آنها نیز کافی بنظر می‌رسید از آنان سلب فرموده است.

و اما سید مرتضی طبق آنچه باو نسبت داده‌اند فرموده است: وجه اعجاز قرآن کریم همان صرفه است که خداوند متعال توانائی فصاحت و بلاغت در سخن را از آنان سلب می‌نماید یعنی: آنگاه که اراده می‌کردند با قرآن مجید معارضه کند معلومات لازم را در این زمینه از دست میدادند.<sup>۱</sup> در حاشیه کتاب خرائج چاپ جدید این مطلب بکتاب رسائل سید نسبت داده شده لکن در آن کتاب در وجه اعجاز و مراد از آن ذکری بهمیان نیامده بلکه از اشکالاتی که بر نظریه صرفه وارد کرده‌اند پاسخ داده است و خود ایشان، توجیهاتی را که در تأیید صرفه آورده بکتاب دیگر خود احاله کرده است.<sup>۲</sup>

بنابراین یعنی بنابراین سه وجه که نقل شد مطالبی را که یکی از

۱- الخرائج والجرائج، تألیف قطب‌الدین راوندی ط مؤسسه الامام المهدی «عجیب» ج ۳ ص ۹۸۱ و بحار الانوار ط جدید ج ۱۷ ص ۲۲۴.

۲- رسائل سید مرتضی ط دارالقرآن قم ج ۲ ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

دانشمندان در کتاب خود آورده که مراد از صرفه سه وجه می‌تواند باشد صحیح و بجا است<sup>۱</sup>.

آنچه تاکنون ذکر شد اسامی قائلین بصرفه بود و دیدیم که تعداد معدودی بیش نبودند و نیز بیان مراد آنان از صرفه بوده است.

حال مناسب است در ابتدا بادلله‌ای که موجب شده تا آنان به چنین عقیده‌ای برسند اشاره نمائیم، از جمله آنها:

استدلالی است که از سیدمرتضی نقل شده است وی می‌فرماید: اعجاز قرآن از جهت فصاحت آن نیست زیرا اگر بجهت آن بود باید ما تفاوت آنرا با سایر کلمات فصحای عرب احساس کنیم و نگوئیم: این احساس را باید متخصصین در سطح اعلا اظهار کنند نه هر دانشمند زیرا تفاوت بین کلام معجز و ممکن چیزی نیست که برای افراد متعارف مخفی باشد همچنانکه بین خز و پارچه پشمی برآنان مخفی نیست، پس چون سوره‌های قرآن شریف خصوصاً سور کوتاه آنرا با کلمات فصحای عرب مقایسه می‌کنیم و تفاوتی بنظر ما نمی‌رسید ناچار باید اقرار کنیم که اعجاز قرآن از جهت فصاحت و بلاغت آن نیست بلکه از جهت صرفه و قوه قاهره خداوندی است که علوم و کارایی آنرا سلب کند تا آنرا از معارضه منصرف نماید<sup>۲</sup>.

این استدلال که از چنین دانشمند والا مقامی نقل شده بسیار جای تعجب بلکه تاسف است و استدلالی است باصطلاح، نه صغرای آن صحیح است و نه کبرای آن مورد قبول می‌باشد زیرا این جمله‌ای که از ایشان نقل شده که هر گاه قرآن کریم از جهت فصاحت معجزه بود بایستی دانشمندان متعارف تفاوت آنرا با کلمات فصحای عرب تشخیص میدادند آیا می‌توان

۱- الطراز المتضمن لاسرار البلاغة و علوم حقایق الاعجاز ط دارالکتب العلمیه بیروت ج ۳.

ص ۳۹۱.

۲- الخرائج والجرائح ج ۳، ۹۲۸ یادآور می‌شود کلام سید را در کتابی که در دسترس بود مشاهده نکردم و محتمل است قطب راوندی آنرا از کتابی که سید بنام «الصرفه» تالیف نموده است نقل نموده باشد و این کتاب بنا بر آنچه در «الذریعه» نقل فرموده بنام (الموضح عن وجه اعجاز القرآن) نامیده شده و متأسفانه تاکنون آنرا مشاهده نکردم.

آنرا تصدیق نمود و آنرا به تفاوت میان خز و پارچه پشمی قیاس کرد. آیا تشخیص لطائف و رموز قرآن کریم برای افراد عادی میسر است؟ آیا برتری کلام خداوندی بر سایر کلمات فصیحیه می تواند مورد تشخیص افراد عادی باشد و تفاوت آنها با یکدیگر مثل تفاوت خز و لباسهای پشمی است؟ آیا می توان گفت تشخیص لطافت پارچدای و یا استحکام آن که ملهوس فرد عادی است و براحتی می تواند بر پارچه ضخیم و کم دوام ترجیح دهد مانند تشخیص بعضی هنرهای پیچیده و دقیق از غیر آنهاست مثلا ریزه کاریها و منبت کاریهایی که در روی بعضی جعبه و صندوقها بکار رفته که گفته می شود نمی توان برای آنها قیمت و بهائی تعیین کرد، افراد عادی می توانند آنها را تشخیص دهند آیا شنیده شده دو نفر شاعر؛ فصیح و بلیغ هر گاه بخواهند مسابقه دهند افراد عادی را برای حکمیت قبول کنند و بحکم آنان رضایت دهند؟

خیال نمی کنم کسی بتواند این مطلب را گرچه از شخص فوق العاده ای صادر شده باشد تصدیق کند.

اما فرمایش دیگری که (ما در بین سوره قرآنی و کلمات فصحا فرقی احساس نمی کنیم و اگر اعجاز قرآن شریف و فصاحت آن بود بایستی فرق احساس کنیم) نیز غیر قابل قبول است زیرا علما و افراد بسیاری که در فن فصاحت به معنای اخص آن تخصص داشته اند در مقام مقایسه آیه های قرآنی با سایر کلمات فصحا فرقیها و تفاوتهای بسیار قائل شده اند و در تالیفات خود که (اعجاز القرآن) نامیده شده آورده اند و بعلاوه دانشمندانی که فصاحت و بلاغت آنان در تاریخ مشهور است از شنیدن آیات شریفه قرآنی به شگفت درآمده و به عظمت آنها و عجز خود اقرار کرده اند که تعدادی از آنان را در اینجا بعنوان نمونه می آوریم.

۱- ولید بن مغیره نابغه ادب عربی روزی از پیامبر اسلام (صلوات الله علیه) تقاضا کرد که قسمتی از قرآن را تلاوت فرماید حضرت به قرائت سوره سجد (فصلت) مشغول شد وقتی به آیات «فان اعرضوا فقل انذرکم مثل



صاعقة عاد و ثمود» رسیدند لرزه بر بدن ولید افتاد و از جای خود برخاست و بخانه رفت و بجمع دوستان خود نپیوست، آنها خیال کردند ولید مسلمان شده و از آن پس جزء آنان نخواهد شد، تا اینکه ابوجهل بخانه او رفت و اظهار کرد که تو وعده دادی درباره قرآن فکری کنی و نتیجه اش را برای ما اعلام نمائی چه شد که بخانه ات برگشتی، آیا اسلام را پذیرا شدی؟ در پاسخ گفت نه، ولی وقتی بکلام محمد گوش دادم و توجه کردم بخود لرزیدم، آنگاه ابوجهل سؤال کرد آیا کلامش شعر است، گفت نه، آیا خطبه است، گفت نه خطبه کلامی است متصل، ولی قرآن محمد متفرق است، پس کهانته (غیب گوئی) است، گفت نه سپس پرسید چیست، اظهار کرد اگر مهلت بدهی که فکر کنم پاسخ بدهم، فردای آنروز آمد و گفت: بگوئید آن سحر است زیرا مانند سحر در قلوب تأثیر دارد، آنگاه آیات شریفه «ذرنی ومن خلقت وحیداً» تا آیه (علیها تسعة عشر) نازل شد<sup>۱</sup>.

و در روایات تاریخی آمده: ولید از قرآن کریم مدح بلیغ نهوده و گفته: آن کلامی است مسرت آور، شاخه های بسیاری دارد و سر شاخه های آن مملو از میوه است و بکام بشر نمی ماند.

از این گفت و شنودها استفاده می شود ولید درباره قرآن کریم خصوصیات را قائل بوده که او را وادار کرد تا اقرار کند که قرآن چنین و چنان است و آن کلام بشر نیست لیکن او با کفر و عنادی که داشت آنرا سحر خواند نه کلام خدا!!

۲- ابن ابی العوجا با سه تن از دهریها هم قول شدند که هر يك از آنان به مقابله و معارضه ربعی قرآن در آیند و همگی در مکه معظمه پیمان بستند تا در سال آینده در مکه معارضه را انجام دهند و چون سال سپری شد در مقام ابراهیم اجتماع کردند، آنگاه یکی از آنان اظهار کرد من هنگامیکه آیات (وقیل یا ارض ابلغی مائک، ویاسماء اقلعی) هود / ۴۴

۱- تفسیر برهان سوره مدثر و بجا ج ۱۷ ص ۲۱۱.

۲- بجا ج ۱۷ ص ۲۱۲ از عکرمه و عبارت عربی آن چنین است فقال: والله ان لدالحلوة وان علیه لطلاوة ان اعلاه لشهر وان اسفله لمعتق وما یقول هذا بشر.

شنیدم از تصمیم خود منصرف شدم، دیگری گفت من وقتی آیه (فلما استیأسوا منه خلصوا نجیا) (یوسف / ۸۰) را شنیدم از معارضه مایوس شدم، ناچار مطلب را مخفی نگه داشتند تا امام صادق علیه السلام آنها را دید و آیه شریفه (قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یأتوا بمثل هذا - القرآن لایأتون بمثله) اسراء / ۸۸ را تلاوت فرمود که در بهت و حیرت فرورفتند و از احتجاج شیخ طبرسی نقل شده که هشام بن حکم فرمود روزی چهار نفر بنامهای ابن ابی العوجاء و ابوشاکر الدیصانی زندیقی و عبدالملک بصری و ابن مقفع باهم پیمان بستند تا هر یک باربعی قرآن معارضه نمایند و قرآن را باطل سازند که در نتیجه اسلام را خدشه دار نمایند پس در سال آینده نیز در خانه خدا جمع گشتند درابتدا ابی ابی العوجاء گفت من از همان موقع در فکر معارضه بودم تا وقتی آیه (فلا استیأسوا منه خلصوا نجیا) را شنیدم متوجه شدم هرگز قادر نیستم مثل آن را بیاورم لذا از بقیه آیات هم منصرف شدم.

سپس عبدالملک گفت من از آن موقع که از شما جدا شدم در این آیه (یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذباباً ولو اجتمعوا له وان یسلبهم الذباب شیئاً لایستفذوه منه ضعف الطالب والمطلوب) را شنیدم فهمیدم من قدرت آوردن مانند آنها ندارم، آنگاه ابوشاکر اظهار کرد من از همان موقع که از شما جدا شدم در این آیه (لو کان فیها آللهة الا الله مفسدات) انبیاء / ۲۲ فکر کردم معتقد شدم که نمیتوانم مانند آنها بیاورم، سپس ابن مقفع گفت من هم در این آیات (وقیل یارض ابلغی مائک ویاسماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی - الجودی وقیل بعداً للقوم الظالمین) فکر می کردم و فهمیدم این قرآن، کلام بشر نیست و نهی شود بخوبی به مطالب آن پی برد و مانند آنها آورد...<sup>۲</sup> یکی از ادله قائلین بصرفه این است که فصحاء عرب عالم به مفردات

۱- بحار الانوار ج ۱۷ ص ۲۱۳ نقل از خرائج قطب راوندی.

۲- حاشیه بحار ج ۱۷ ص ۲۱۳ نقل از احتجاج طبرسی.

۳- البیان فی تفسیر القرآن تألیف آیه الله خوئی بحث اعجاز ص ۹۷.

۴- البیان ص ۱۰۶

قرآن بوده و بعضی از آیات قرآنی نیز مانند والحمد لله رب العالمین را بخوبی آگاه بودند، پس طبعاً قدرت آوردن سوره‌ایکه از این مفردات ترکیب بشوند را داشتند بنابراین اگر در پاسخ تحدی ساکت هانده‌اند بجهت انصراف قهری آنان بوده نه عجز<sup>۱</sup>.

اما در پاسخ این استدلال گفته می‌شود: میان قدرت بر مفردات و بین قدرت بر جمله‌سازی و سوره‌ها ملازمه نیست زیرا ممکن است کسی به مفردات قرآن آگاه باشد ولی نتواند جمله‌بندی فصیح و بلیغ از آنها بنماید چنانچه در صنایع ظریف بیشتر به ترکیب و جفت و جلای و جزای آنها توجه می‌نمایند و هنرها در آن بکار گرفته می‌شود.

و دیگر ادله آنان این است که صحابه پیامبر اسلام (ص) در هنگام جمع قرآن در بعضی آیات تردید داشتند که از قرآنند یا نه تا اینکه افراد موثق بجزئیت آنها گواهی می‌دادند سپس آنها را در قرآن می‌نوشتند بلکه این تردید در بعضیها باقی میماند و رفع نمی‌شد چنانچه از ابن مسعود نقل شده که وی در سوره حمد معوذتین و «قل اعوذها» تردید می‌کرد و نمی‌توانست جزماً آنها را قرآن بداند بنابراین اگر اعجاز قرآن شریف در الفاظ آن بود نبایستی مانند ابن مسعودها در آن تردید کنند<sup>۲</sup>.

در پاسخ این استدلال گفته می‌شود: اولاً قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم (ص) جمع شده و این رأی که قرآن شریف پس از آنحضرت با گواهی دو گواه جمع‌آوری شده خالی از حقیقت است.

و ثانیاً اعجاز قرآن چیزی نیست که برای همه روشن باشد و بتوانند آنرا از غیرش تشخیص دهند بلکه تشخیص آن نیاز به تخصص‌های بالائی دارد چنانچه در گذشته افراد فوق‌العاده‌ای را ذکر کردیم که بمجرد شنیدن آیه یا آیاتی از قرآن، اعجاز آنرا بازمی‌یافتند و بمقابله آن هرگز فکر نمی‌کردند.

۱- خلاصه از تفسیر المیزان سوره بقره آیه ۲۵

۲- تفسیر البیان ص ۱۰۶

## کلام علامه طباطبائی قدس سره

می میفرماید: دو چیز باعث قول بصر فیه شد یعنی اینکه از آیات شریفه تحدی استفاده می شود که اتیان بمانند قرآن گرچه بیک سوره باشد مقدر بشر نیست و محال است و این نه به این جهت است که کلمات و ترکیبات قرآن مافوق طاقت بشر است بلکه خدای سبحان با اراده قاهره خود مانع شد که آنان به معارضه با آن بیندیشند تا آیه نبوت محفوظ بماند و رسالت حفظ گردد.

اما آن دو چیز :

۱- الفاظی که بشر برای تفهیم مطالب قبلی خود وضع کرده و قریحه اش آنها را برای مبانی انتخاب کرده است آنگونه نیست که وقتی برای ارائه معانی از یافتن الفاظ عاجز بماند و معانی که قرآن کریم با الفاظ مخصوص تفهیم فرموده است او نتواند آن معانی را در قالب الفاظی که قریحه اش آنرا اعطا کرده بیاورد بنابراین اگر عجزی بوده از ناحیه مقتضی نبوده است بلکه برای موانعی بوده که خدای سبحان ایجاد فرموده است که همان انصراف اراده باشد.

۲- جمله ها و کلمات مرکبی که در تفهیم معانی بکار برده می شود اگر اعجازی درباره بعضی از آنها فرض شود حتماً فقط در مورد یکی از آنها می باشد نه همه آنها، بلکه آنچه مافوق همه آنها است معجز است لا غیر ولی در قرآن کریم می بینیم معنای واحدی در قالب جملات مختلف ارائه شده است پس نمی توان همه آن جملات را معجز دانست بنابراین، اعجاز قرآن در الفاظ آن نیست و بشر از آوردن آن نیاوستی عاجز بماند پس اگر عجزی بود همه آن صرفه است که خداوند متعال آنرا ایجاد فرموده است سپس علامه طباطبائی از این دو شبهه پاسخ داده می فرماید: گرچه بشر برای ارائه معانی الفاظی را وضع کرده و در مقام تفهیم آنها را بکار می برد لیکن ارائه مفاهیم قبلی با جمیع خصوصیاتش از حیث لوازم تا مقدمات، مقارنات و... در قالب جملات زیبا امریست مربوط به بلاغت و فن

بیان نهالفاظ، و بعلاوه بشر با قدرت محدود خود قادر نیست که بجمع خصوصیات معانی والفاظ واقف شود بلکه خالق بشر است که به تمام خصوصیات واقف و آگاه است و یادآور می شود علم بلاغت و فصاحت علمی است دارای مراتب حتی یک نفر بلیغ از ابتداء و بطرف کمال و در آخر به حدی میرسد که بلاغت او در اواخر با بلاغت او در اوایل متفاوت بوده و قابل قیاس نیست.

و در پاسخ از شبهه دوم می نویسد: آوردن مفهوم و مطلوب واحد در صور و جملات متعدده و مختلفه که همه آنها در حد اعجاز باشد امریست روشن و ممکن، و قول باینکه جمله بلیغ در حد اعجاز فقط جمله ایست که در نهایی ترین در حد و فوق همه جای دارد، خالی از حقیقت و واقعیت است.<sup>۱</sup>

این امر که ذکر شد عمده ادله قائلین بصرفه است و همانطور که در پاسخها مشاهده شد بسیار ضعیفند بلکه غالب آنها استبعادی بیش نیستند و بقول بعضی از مفسرین اینان وقتی بلاغت و فصاحت قرآن را در حد اعلائی فصاحت دیده اند و بیان و وجوه اعجاز، برایشان مشکل بوده است به آسان اندیشی روی آورده بایک کلمه (صرفه)، خود را از این مشکل رها ساختند.<sup>۲</sup>

واعتراضهای دیگر نیز بر (قول بصرفه) وارد کرده اند که قسمتی از آنها در کتاب شریف الخرائج قطب راوندی آمده و ایشان پاسخی هم از آنها داده اعتراضهای را وارد ندانسته است<sup>۳</sup>، چنانچه سید نیز بعضی از این اعتراضات را نقل نموده و از آنها پاسخ داده است.<sup>۴</sup> اما آنچه بنظر صحیح میرسد این است که باید یک محقق قولی را که صحیح نمیداند را ابتداء به اداله طرف مقابل بدون تعصب و با ذهن پاکیزه

۱- تفسیرالمیزان سوره بقره آیه ۲۵.

۲- تفسیر المنار سوره بقره آیه ۲۵ فصل فی وجوه الاعجاز.

۳- الخرائج ج ۳ ص ۹۸۸

۴- رسائل سید مجتهد ص ۲ ص ۳۲۳.

از افکار شخصی خود توجه کند که آیا آنها برای اثبات این قول کفایت می‌کند یا نه پس اگر د ر اداله آنان خدشه کرد و در مقام بحث خدشه و ضعف آنها را بیان نمود دیگر نیازی ندارد تا اشکالات متفرع بر صرفه را بیان نماید و صفحات کتاب خود را پر کند و برای همین جهت بود که ما در ابتدا متعرض اداله آنان شدیم و دریافتیم آنها حقاً بر این مطلب یعنی صرفه دلالت ندارند.

و بعلاوه گفته شده: این قول، طرفدار کمی داشته بلکه متروک مانده است و شاید صلاح مسلمانان در آن بوده تا در وجوه اعجاز کتاب مقدس خداوندی و معجزه خالده پیامبرش با دقت قلم فرسائی نمایند و خود را بعدر صرفه راحت نسازند.

بهر حال روشن است همانطوریکه طرفداران «صرفه» بدلیلی نیاز دارند که ندارند طرف مقابل آنان نیز برای نفی «صرفه» بدلیل محتاج است.

و قبل از ورود به بحث لازم است مطلبی را تذکر بدسیم که قائلین بصرفه آیات قرآن را (العیاذ بالله) کلام خداوند نمیدانند تا با ادله ای که قرآن را کلام خدا میدانند علیه آنان استدلال کنیم و معلوم است، آنان چنین اعتقادی ندارند.

و یا آنان فصاحت و بلاغت قرآن کریم را منکرند تا ادله ای که بر فصاحت و بلاغت قرآن کریم دلالت دارند بر علیه آنان استدلال کنیم و اعتراضات فصحا و بلغا را بر مطلب خود گواه بیاوریم، معلوم است آنان چنین ادعائی را نیز ندارند.

پس آنچه میان «قائلین بصرفه»، و منکرین صرفه محل اختلاف است این که آنان معتقدند قرآن کریم با فصاحت و بلاغت بالائی که دارد در حد اعجاز نیست و فصحا و بلغا قدرت نظیر آن را دارند، لکن خداوند سبحان با ایجاد مانع، اراده را از آنان سلب نهوده است و یا معلومات و تخصصهائی را که داشتند از آنان گرفته است.

بنابراین باید در اثبات مطلب خود فقط بادهایکه بر اعجاز قرآن کریم دلالت دارند اشاره کنیم که قسمت عمده آنها عبارتند از:

۱- آیات شریفه‌ایکه کفار را به تحدی و معارضه فرا خوانده که چنانچه در این کتاب آسمانی تردید دارند و خیال میکنند آنرا پیامبر (ص) ساخته و یا از نوشته دیگران نوشته و یا از کسی فرا گرفته است و باور ندارند که قرآن، کار خداوند سبحان باشد، نظیر آنرا بیاورند و یا نظیر ده سوره از آن را و یا حداقل مانند یک سوره از آنرا بیاورند، سپس خداوند متعال با صراحت می‌فرماید آنان اگرچه فصحا و بلغا در میانشان هست هرگز نمی‌توانند مانند آنرا بیاورند و قدرت آنرا ندارند پس باید اذعان کنند که قرآن کریم کلام خدا و معجز است و دیگران از آوردن نظیر آن عاجزند، بنابراین خداوند متعال با تحدی و دعوت بمسابقه اعجاز قرآن را گوشزد می‌فرماید تا در نتیجه، معجزه پیامبر اسلام (ص) باشد و در بعضی از آیات اشاره‌ای بجهت و علت افکار آنان شده است، مانند آیه (بل کذبوا بآلام یحیطوا بعلمه) یعنی چون معلوم قرآن واقف نیستند آنرا ساخته بشر میدانند، از این آیه بخوبی استفاده می‌شود قرآن خود دارای خصوصیات و مزایایی است که کسی بر آنها واقف نباشد آن را انکار می‌نماید.

### اما آیات

۱- شماری از آیات شریفه و باصطلاح آیات تحدی که بشر را بمعارضه با قرآن دعوت نموده‌اند مانند...

آیه شریفه (قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یأتوا بهذا القرآن لایأتون بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیراً). اسراء آیه ۸۸.  
این آیه شریفه ظاهر است در اینکه قرآن کریم (بلا تشبیه) مانند ازدها کردن عصای موسی در توان بشر نیست، یعنی کار فوق العاده‌ایست، کار خدائی است، پس همانطور که در ازدها شدن عصا گفته نمی‌شود: مردم می‌توانند و می‌توانسته‌اند نظیر آنرا بیاورند لیکن خداوند سبحان آنان را منصرف فرموده است، درباره قرآن کریم نیز نباید چنین گفته شود،

و آیه شریفه (ام یقولون نقوله بل لایؤمنون، فلیأتوا بحدیث مثله ان كانوا صادقین. طور / ۳۳ و ۳۴. این آیه نیز ظهور دارد در اینکه قرآن دارای مزایا و خصوصیات است که غیر خداوند متعال نمی تواند آنرا بیاورد یعنی معجزه است و بشر از آوردن نظیر آن عاجز است.

و آیه (ام یقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات و ادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین. فان لم یتجیبوا لکم فاعلموا انما انزل بعلم الله.. ) هود آیه ۱۳ و ۱۴.

و آیه (وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهدائکم من دون الله ان کنتم صادقین). بقره / آیه ۲۳.

و آیه (ام یقولون افتراه قل فأتوا بسورة مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین). یونس / ۳۸. خداوند متعال در این آیات نیز کتاب خود را در توان خود دانسته و افراد بشر را از آوردن آن عاجز معرفی فرموده است و این، همان اعجازیست که قرآن آنرا دارد و پیامبر اسلام آنرا برای خود آیه ارائه میدهند، پس همانطور که احیاء اموات که بدست حضرت عیسی (ع) ظاهر شده است، معجزات قرآن کریم نیز که بدست پیامبر اسلام ظاهر شده معجزه است، پس اگر عجز آنان را مستند بقهر و مانعی که می گویند خداوند متعال آنرا ایجاد فرموده بدانیم قرآن، خود، کار فوق العاده ای نخواهد بود بلکه آن قهر و غلبه و صرف خداوند است که اعجاز است و آن برخلاف ظواهر این آیات شریفه است، خصوصاً جمله (فان لم یتجیبوا لکم فاعلموا انما انزل بعلم الله) که در ذیل آیه سوره هود است بخوبی گواهی دارد که قرآن کریم با علم خداوند مقارن و معلومات حضرتش است، لذا فوق العاده و خارق العاده است.

۲- آیه (وقالوا لولا انزل علیہ آیات من ربه قل انما الآیات عند الله وانما انا نذیر مبین / عنکبوت آیه ۵۰.

از این آیه شریفه نیز استفاده می شود که قرآن خود بجهت مزایا و خصوصیاتش معجزه و آیه الهی است.



۳- آیات شریفه «ثم نظر، ثم عبس وبسر، ثم ادبر واستكبر، فقال ان هذا الاسحر یؤر» مدثر / ۱۱ الی ۱۴. این آیات نیز بخوبی دلالت دارند که آن ملحد قرآن را خارج از توان دیدن تا اینکه ناچار شد آنرا سحر بداند و بنا به نظریه صرفه بایستی خود را مسحور بخواند پس همانطور که سحره فرعون وقتی ازدهارا دیدند که آنها از يك عصا پدیدار گشت اقرار کردند که آن عمل معجزه است و فرعون آنها سحر خواند و نگفت من و شاه مسحور شده ایم. ولید بن مغیره نیز اظهار کرد که قرآن سحر است و خصوصیاتش بسحر شبیه است که دیگران نمی توانند مانند آنها بیاورند و نگفت: من در خود تغییر حالی مشاهده می کنم که اراده ام نمی آید و یسا معلوماً زایل شده است، پس مسحور گشته ام.

۴- آیه شریفه «افلا یتدبرون القرآن ولو كان من عند غیر الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» نساء/ ۸۲. از این آیه استفاده می شود قرآن شریف نمی تواند کلام بشر باشد؛ زیرا در آن اختلافی دیده نمی شود و اگر کلام بشر بود حتماً در آن اختلاف دیده می شد و در نتیجه صورت برهانی را ارائه میدهد و آن اینکه: قرآن در آن اختلافی دیده نمی شود و هر کتابی که در آن اختلاف نباشد کلام خدا است، پس قرآن کلام خداست که بشر از آوردن مانند آن عاجز است.

بنابراین خود قرآن دارای خصوصیتی است که در توان انسانها نیست نه اینکه آنان با آوردن مانند قرآن قادرند، ولی خداوند سبحان اراده را از آنان می گیرد و یا علوم را از حافظه آنها بیرون می برد.

تا اینجا آیاتی را در رد قائلین بصرفه آورده ایم، و بنظر می رسد در مقام استدلال به آیات کافی است که مقاله را رد قولی بسیار ضعیف در همینجا به پایان بریم.

اما روایات

روایات بسیار بی نیز در اعجاز قرآن کریم از جهت خصوصیات و

مزایائی که داراست بهما رسیده که در نتیجه قول بصره را ضعیف و مردود می‌سازند. پاره‌ای از آنها عبارتند از:

۱- گویند عالم ثقه و فاضل معروف ابن‌سکیت از امام موسی بن-جعفر (ع) سؤال می‌کند که چرا خداوند متعال موسی (ع) را با عصا و ید بیضا و عیسی (ع) را با وسایل و آلات طب و محمد (ص) را با خطب و کلام مبعوث فرمود: امام علیه‌السلام در پاسخ فرمود: خداوند وقتی موسی را مبعوث کرد غالب مردم در آن زمان به سحر آشنا و آگاهی داشتند پس به موسی (ع) چیزی داد که آنان (باینکه در تخصص امت او بود) نتوانند نظیر آن را بیاورند و سحرشان را باطل سازند و عیسی را در زمانی مبعوث فرمود که مردم به بیداریهای مزمن مبتلا بودند و به طب نیاز داشتند پس به عیسی چیزی را عطا فرمود که مردم از آن عاجز بودند و آنحضرت مرده‌ها را زنده می‌کرد و نابینایان را شفا میداد و بیماران بدبرص را در یک آن سالم می‌ساخت تا برای آنان حجت باشد و محمد (ص) را در زمانی مبعوث فرمود که غالب مردم خطیب بودند و قدرت بر جملات و کلمات (شعر) داشتند پس خداوند (سبحان) چیزی را (قرآن) به آنحضرت عطا فرمود که دارای احکام و مواعظ بود تا حرفهای آنان را باطل سازد و حجت را برای آنان تمام کند، آنگاه ابن‌سکیت عرض کرد: بخدا قسم مانند تورا تا حال و هرگز ندیده‌ام!

از این روایت شریف بخوبی استفاده می‌شود که محتوای قرآن کریم معجزه و برای مردم حجت است و خطب و مواعظ فوق‌العاده‌ایکه دارد از توان مردم خارج و آنان از آوردن مانند آن عاجزند نه اینکه محتوای آن مقدور مردم بود، لکن خداوند سبحان با قدرت خود آنانرا منصرف می‌ساخت.

۲- از حضرت امام رضا (ع) روایت شده روزی درباره قرآن صحبتی بمیان آورده آنرا از نظر حجت بودن و معجزه‌ایکه در نظمش است مورد تعظیم و تکریم قرار دادند، سپس اظهار کردند: قرآن جبل‌متین و دستاویز

۱- اصول کافی ج ۱ ص ۲۴ و بحار الانوار ج ۱۷ ص ۲۱۰ نقل از احتجاج و غیره.

محکم و راه والای خداوند است انسانرا به بهشت می‌رساند، از آتش رها می‌سازد، در هیچ زمانی کهنه نخواهد شد، و مرور ایام نمی‌تواند در آن نباهی به هم رساند، اینها برای این است که قرآن برای زمان خاصی نیست بلکه او برهانی است برای هر انسان، باطل به آن راه نخواهد یافت و آن از طرف خداوند حمید فرود آمده است.<sup>۱</sup>

از این روایت نیز بخوبی استفاده می‌شود قرآن کریم از نظر محتوا و اینکه آن همیشه تازه است و حبل‌الله و عروة‌الوثقی است معجزه است.

علامه مجلسی پس از نقل روایات مذکور می‌نویسد از این حدیث وجه دیگری برای اعجاز قرآن استفاده می‌شود که آن مانند کلام بشر نیست که در اثر تکرار ارزش خود را از دست می‌دهد بلکه هر اندازه تکرار شود خواننده را بیشتر بدشوق و امیدار دارد.<sup>۲</sup>

۳- حدیثی که قبلاً به آن اشاره رفت که ابن‌ابی‌العوجاء با سه نفر دیگر پیمان بستند که هر یک مانند ربع قرآن را بیاورد و پس از آنکه یکسال گذشت و آنان در مقام ابراهیم اجتماع کردند، هر یک از آنان اظهار نمود که من وقتی فلان آیه را شنیدم از معارضه منصرف شدم در این هنگام امام صادق (ع) به آنان مرور کردند و آیه شریفه (قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یأتوا بمثل القرآن لایأتون بمثله) را بر آنها تلاوت فرمود که موجب بهت و حیرت آنها گشت.<sup>۳</sup>

از این حدیث استفاده می‌شود: فصاحت و بلاغت و محتوای قرآن موجب عجز آنان شده است نه اینکه که فصاحت و بلاغت و محتوای قرآن موجب عجز آنان شده است نه اینکه از آنان اراده سلب شده و یا معلومات خود را از دست داده‌اند و باز حرف سابق خود را تکرار می‌کنیم که نباید در رد قول نادر وضعیفی مانند نظریه «صرفه» بیشتر از اینها مقوله را طولانی نمود، لهذا به سه روایت بسنده شد.

۱- بحار الانوار ج ۱۷ ص ۲۱۰

۲- بحار الانوار ج ۱۷ ص ۲۱۱

۳- بحار الانوار ج ۱۷ ص ۲۱۳ نقل از خرائج قطب، راوندی.

### مؤیدی چند

۱- معجزاتی که خداوند متعال به پیامبران عظیم‌الشان (علیهم‌السلام) عطا فرموده بود معجزاتی بودند که آنها از قدرت بشر خارج و آنان از آوردن مانند آنها عاجز بودند نه اینکه آنان قدرت آنها داشتند، ولی خداوند متعال آنها را مصروف و منصرف می‌نمود چنانکه در تعدادی از آیات شریفه می‌بینیم مانند آیه «ولقد اتینا موسی تسع آیات بینات» اسراء/ ۱۷. و آیه «ورسولا الی بنی اسرائیل انی قد جتتکم به آیه من ربکم انی اخلق لکم من من الطین کیثه الطیر فانفج فیه فیکون طیراً باذن الله...» آن عمران / ۴۹.

و آیه «والی ثمود اخاهم صالحاً قال یا قوم اعبدوا الله مالکم من اله غیره قد جائتکم بینة من ربکم هذه ناقة الله آیه.» اعراف / ۵۲. معلوم است معجزاتی که در آیات مذکور مورد اشاره قرار گرفته معجزاتی هستند که در توان بشر نیستند و آنها از جهت اینکه فعل خدائی است نمی‌توانند مانند آنها بیاورند نه از جهت صرفه و اینکه آنها قدرت داشته‌اند لیکن خداوند متعال آنها را از معارضه با آنها منصرف ساخته است. بنابراین مناسب است قرآن کریم و این معجزه پیامبر اسلام نیز طبق سنت جاریه مانند آن معجزه‌ها باشد.

۲- آنچه در قرآن کریم و اخبار معصومین «علیهم‌السلام» و علمای اسلام مشاهده می‌شود نسبت اعجاز را بخود قرآن داده‌اند و در هیچ مرحله‌ای به صرفه اشاره فرموده‌اند و در نتیجه قول صرفه مورد تأیید قرآن کریم و اخبار ائمه معصومین (ع) نمی‌باشد.

۳- تمام علما بجز تعدادی کم اعجاز را در خود قرآن - بجهت مزایا و خصوصیات برترینی که دارد - می‌دانند و می‌گویند بشر را هرگز به آوردن مانند آن توانی نیست و این برداشت اکثریت از آیات تحدی موجب وهن این نظریه و مؤید قول بخلاف آنست.

در خاتمه، بحث را با ذکر خلاصه آن پایان می‌بریم و امیدواریم این مقدار تحقیق در رد این نظریه شاذ کفایت کند.

آنچه در این مقاله خلاصه می‌شود اینکه نظریه صرفه از دلیل و برهان کافی برخوردار نیست و آن قولی است نادر و جمهور علمای اسلام با آن مخالفند و سنت جاریه خداوند در بیان اعجاز با آن وفق نمی‌دهد و این نظریه در عصرهای پیشین طرفدارانی داشته ولی در اعصار اخیر چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

سوم آذرماه ۱۳۶۹ برابر با پنجم جمادی‌الاولی ۱۴۱۱ هجری قمری

ابوالفضل - میر محمدی